

مفهوم هم‌گرایی رشته حسابداری و رشته حقوق

شهناز علیخانی^۱

سید نصرالدین حسینی دستنایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۲/۲۱

چکیده

از آنجایی که همگرایی در دنیای امروز که پیچیدگی‌های اقتصادی و مالی در حال افزایش است، اهمیت و نقش دوچندانی را پیدا کرده است. بنابراین، هدف از انجام این پژوهش ارائه رویکرد کیفی همگرایی مفهومی در رشته حسابداری و رشته حقوق است. استراتژی پژوهش از منظر هدف، کاربردی با رویکرد اکتشافی، در افق زمانی ۱۴۰۳ و روش انجام پژوهش آمیخته بر اساس رویکرد داده بنیاد انجام شده است. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته شامل مدیران ارشد و اجرایی و وکلای دادگستری بودند که انتخاب آنها بر اساس معیارهای انتخابی، تجربه و حرفه کاری به صورت هدفمند به تعداد ۵۸ نفر از کارفرمایان بیش از ۱۵ سال، شاغل در حرفه حسابداری و حقوق انجام شد. در بخش کمی از طریق پرسشنامه مبتنی بر روش دلفی فازی انجام شده است. یافته‌ها مبین آن است که پس از انجام مصاحبه، طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، تجزیه و تحلیل داده‌ها مطابق با روش نظریه‌پردازی داده بنیاد صورت گرفت و مدل نهایی براساس مقوله‌های مستخرج شامل ۹۵ کد اولیه و ۱۶ کد ثانویه، تحت ۶ دسته اصلی ارائه شد که از این میان ۹۰ گویه از روش فازی‌زدایی مورد پذیرش قرار گرفت. نتایج این پژوهش ارائه مدلی جامع بود که دارای شش مقوله شرایط علی شامل عوامل درونی، عوامل بیرونی، ویژگی‌های بخش عمومی و فرهنگ به عنوان مقوله شرایط زمینه‌ای؛ شفافیت و افشای اطلاعات، رعایت استانداردها و مقررات، حمایت از حقوق ذینفعان و ... به عنوان مقوله محوری؛ ابهام و خلاء، مهارت، آگاهی و فناوری به عنوان شرایط مداخله‌گر؛ آموزش و تحلیلگری، نظارت و پیشگیری، اعتمادسازی و کارآمدی نظام مالیاتی و قضایی به عنوان راهبردها و پیامدها شناسایی شدند. همگرایی نشان می‌دهد که نه تنها حقوق و حسابداری دو رشته مستقل، بلکه دو زبان مکمل برای نظام بخشی به اقتصاد و جامعه هستند. این دو حوزه بطور مشترک به تحلیل و حل مسائل مالی و حقوقی می‌پردازند و تعامل آنها موجب نظامی کارآمدتر جهت ارتقای اعتماد عمومی و توسعه پایدار می‌گردد.

واژگان کلیدی

حسابداری، حقوق، رویکرد کیفی.

۱. دانشجوی دکتری رشته حسابداری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول): (Email: shahnaz.alikhani@iau.ac.ir)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (Email: info@nasrvekalat.com)

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، افزایش پیچیدگی فعالیت‌های اقتصادی، گسترش الزامات قانونی و رشد جرایم مالی موجب شده است که مرز میان رشته حسابداری و رشته حقوق بیش از گذشته درهم تنیده شود. حسابداران تنها ثبت کننده ارقام مالی نیستند، بلکه در معرض مسئولیت‌های حقوقی گسترده‌ای مانند رعایت استانداردهای گزارشگری، پاسخ‌گویی در برابر دعاوی حقوقی، ایفای نقش در فرایندهای قضایی و ارائه شهادت تخصصی قرار دارند. از سوی دیگر، حقوق دانان برای بررسی دعاوی مالی و حقوقی، رسیدگی به تخلفات اقتصادی، تنظیم قراردادها و اصلاح قوانین نیازمند درک عمیق‌تری از مفاهیم و روش‌های حسابداری هستند. این تعاملات سبب شده است که عدم آشنایی متخصصان هر دو حوزه «حسابداران، حساب‌برسان و حقوقدانان» با مفاهیم و الزامات رشته مقابل، به افزایش خطا، بروز اختلافات، گزارشگری نادرست و حتی مسئولیت‌های کیفری و مدنی منجر شود که اجتناب ناپذیر است. همچنین با گسترش قوانین جدید در حوزه‌هایی مانند مالیات، مبارزه با پول‌شویی، اوراق بهادار و جرایم اقتصادی، نیاز به همگرایی دانش حقوقی و حسابداری بیش از پیش احساس می‌شود (نیکوقدم^۱، ۲۰۱۸). با وجود این ضرورت، در بسیاری از کشورها (از جمله ایران)، آموزش رسمی، ساختارهای علمی و پژوهشی و چارچوب‌های همکاری بین حسابداران و حقوقدانان هنوز به اندازه کافی توسعه نیافته است. بنابراین، مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان سطح همگرایی میان رشته حسابداری و حقوق را افزایش داد تا کیفیت گزارشگری مالی و حقوقی، شفافیت اقتصادی موجب کاهش اختلافات حقوقی و مالی و کارآمدی نظام قضایی و نظارتی بهبود یابد؟ به طور دقیق‌تر، باید سوال کرد که حسابداران و وکلاء تا چه حد به قوانین مرتبط با فعالیت‌های مالی و حقوقی آگاهی دارند و این آگاهی چه تأثیری بر عملکرد حرفه‌ای آنها دارد؟ حقوق دانان در رسیدگی به پرونده‌های مالی و قضایی تا چه حد از دانش حسابداری بهره می‌برند؟ لذا، همگرایی رشته حسابداری و رشته حقوق در عصر حاضر به یک ضرورت علمی و عملی تبدیل شده است، زیرا بسیاری از چالش‌های مالی و حقوقی سازمان‌ها و شرکت‌ها در نقطه تلاقی این دو حوزه شکل می‌گیرند. (ولفار^۳، ۲۰۲۱) حسابداری وظیفه ثبت، گزارش و تحلیل اطلاعات مالی را بر عهده دارد، در حالی که حقوق چارچوب‌های قانونی و مسئولیت‌های اجتماعی مرتبط با این اطلاعات را تعیین می‌کند. بنابراین، فقدان تعامل میان این دو رشته می‌تواند منجر به خطا، فساد مالی و حقوقی، یا تضییع حقوق ذی‌نفعان شود.

به بیان سلیس‌تر، به دلیل ماهیت مشترک هر دو رشته، فعالیت هر دو رشته تابع قوانین و مقررات قانونی است، بدون تجزیه و تحلیل رسیدگی پرونده‌ها امکان حل دعاوی در سطح مالی و حقوقی ممکن نیست، مدیریت ریسک و مسئولیت‌پذیری هر دو «وکیل ریسک‌های قانونی را و حسابداری ریسک‌های مالی را شناسایی می‌کند» همکاری هر دو رشته در این زمینه بسیار چشمگیر است، هر دو رشته بر شفافیت اطلاعات اعم از مالی و حقوقی و سازگاری با قوانین تمرکز دارند، تلاش جهت رفع دعاوی یعنی کاهش اختلافات مالی و حقوقی و دفاع جهت پیگیری این تعامل باعث تکمیل نقش دو رشته می‌شود و در نهایت امر، حسابداری زبان اعداد و حقوق زبان قانون است. وقتی این دو زبان کنار هم قرار می‌گیرند، شرکت‌ها، سازمان‌ها و جامعه می‌توانند هم شفافیت مالی داشته باشند و هم از نظر حقوقی و قانونی مصون بمانند. این

1 Nikooghadam

^۲ ماده ۳۰۹ قانون دادرسی مدنی

هم‌افزایی و هم‌گرایی باعث می‌شود حسابداری و حقوق نه رقیب، بلکه مکمل یکدیگر باشند و به نوعی با هم همخوان و هم‌راستا باشند.

با عنایت به مطالب مطروحه و بیان شده، پژوهش حاضر با موضوعی نو و بدیع به بررسی جنبه‌های خاص و ناشناخته هم‌گرایی مفهومی رشته حسابداری و حقوق پرداخته که تاکنون در ادبیات علمی مورد تحلیل قرار نگرفته و اولین بار است که این مسئله به طور جامع و دقیق مورد مطالعه قرار می‌گیرد. ساختار پژوهش بدین منوال می‌باشد: ابتدا در قسمت مبانی نظری رویکرد کیفی هم‌گرایی مفهومی رشته حسابداری و حقوق تبیین پژوهش‌های انجام شده در این زمینه مرور می‌شود. متعاقب آن جامعه، نمونه، متغیرها و روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها معرفی می‌گردد. نتایج پژوهش در قسمت یافته‌های پژوهش عنوان می‌شود و سپس نتیجه‌گیری، پیشنهادهای کاربردی، پژوهشی و همچنین محدودیت‌های پژوهش بیان خواهد شد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

به منظور تبیین و تفسیر رویکرد کیفی هم‌گرایی مفهومی رشته حسابداری و حقوق، به ادبیات علمی این موضوع و نهایتاً پیشینه پژوهش پرداخته می‌شود.

۱-۲- بیان اهمیت و جایگاه رشته حسابداری و حقوق در ساختارهای سازمانی و اجتماعی

حسابداری از دیدگاه سازمانی ستون فقرات هر سازمان است. زیرا اطلاعات مالی دقیق برای تصمیم‌گیری مدیران فراهم می‌کند. امکان کنترل هزینه‌ها و مدیریت منابع را ایجاد می‌نماید. با تهیه صورت‌های مالی، زمینه را برای تحلیل سودآوری، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک مهیا می‌سازد. در شفاف‌سازی فعالیت‌ها و پاسخگویی به سهامداران، نهادهای نظارتی وابسته به دولت نقش اساسی دارد. برای جذب سرمایه، دریافت وام و ورود به بازار سرمایه، وجود سیستم حسابداری قوی ضروری است. امکان شناسایی تقلب، تخلف، هدر رفت منابع و ارائه ساز و کارهای کنترل داخلی را فراهم می‌کند. به همین دلیل در اکثر سازمان‌ها، واحد حسابداری و مالی جزء بخش‌های حیاتی و تصمیم‌ساز محسوب می‌شود و از دیدگاه اجتماعی حسابداری در سطح کلان جامعه نقش مهمی دارد زیرا موجب شفافیت اقتصادی می‌شود و از فساد مالی جلوگیری می‌کند. در نظام مالیاتی کشور نقش کلیدی دارد و اطلاعات مالی را برای اخذ مالیات عادلانه فراهم می‌سازد. به توسعه بازار سرمایه، بانک‌ها و بخش خصوصی کمک می‌کند. زمینه را برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی فراهم می‌سازد، چون سرمایه‌گذاران به گزارش‌های مالی قابل اعتماد نیاز دارند. یک نظام حسابداری استاندارد، شاخص مهمی در پیشرفت اقتصادی و توسعه پایدار است. همچنین اهمیت و جایگاه حقوق در ساختارهای سازمانی به عنوان چارچوب نظم بخش فعالیت‌های سازمانی اهمیت فراوانی دارد. قراردادهای تفاهم‌نامه‌ها، مقررات داخلی و ارتباط با طرف‌های بیرونی بر پایه مشاوره حقوقی انجام می‌شود. از سازمان در برابر ریسک‌های قانونی، دعاوی، شکایت‌ها و جرایم احتمالی محافظت می‌کند. حضور کارشناس یا مشاور حقوقی موجب تنظیم صحیح قراردادهای کاری، تجاری و بین‌المللی می‌شود. قوانین کار، بیمه، مالیات، تجارت و... از طریق واحد حقوقی به درستی اجرا و تفسیر می‌گردد. در مذاکرات، داوری، حل اختلافات و کاهش هزینه‌های حقوقی نقش اساسی دارد. به همین دلیل امروزه تقریباً تمام سازمان‌ها از اداره حقوقی یا مشاور حقوقی استفاده می‌کنند.^۱ در بعد اجتماعی حقوق نقش زیرساختی در اداره جامعه دارد. ضامن نظم اجتماعی، امنیت و اجرای عدالت است. روابط بین افراد، کسب و کارها و نهادها بر

^۱ ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی

اساس قوانین تنظیم می‌شود. نظام حقوقی کنترل‌کننده رفتارهای ناهنجار و پیشگیرنده از جرم و تخلف است. حقوق، چارچوب تعامل دولت با مردم را مشخص می‌کند و حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی را محافظت می‌کند. زمینه‌ساز شفافیت و سلامت اداری و اقتصادی است. در حل و فصل اختلافات، کاهش تنش‌های اجتماعی و ارتقای اعتماد عمومی نقش حیاتی دارد. در واقع، جامعه بدون نظام حقوقی اختلاف‌زا، بی‌ثبات و فاقد اعتماد خواهد بود. در نهایت حسابداری و حقوق دو محور اساسی اداره صحیح شرکت‌ها، سازمان‌ها و استقرار نظم در جامعه هستند. یکی نظم مالی و اقتصادی و دیگری نظم حقوقی و اجتماعی را برقرار کرده و زمینه عدالت اجتماعی و امنیت را برای جامعه فراهم می‌کند (چانگ و چالس^۱، ۲۰۱۸).

۲-۲- ضرورت شناخت مفاهیم مشترک برای ارتقاء همکاری بین رشته‌ای «مسئولیت‌پذیری، کاهش خطا و نقش در جامعه»

همکاری بین‌رشته‌ای زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسد که رشته‌های مختلف، علاوه بر دانش تخصصی خود، مفاهیم مشترک، زبان مشترک و ارزش‌های مشترک را بشناسند. سه مفهوم مهم که در بسیاری از رشته‌ها از جمله حسابداری، حقوق، مدیریت، روان‌شناسی، پزشکی، مهندسی و علوم اجتماعی جایگاه ویژه دارند عبارت‌اند از:

۱. مسئولیت‌پذیری^۲

چرا شناخت این مفهوم برای همکاری بین‌رشته‌ای ضروری است؟

(عباسی و رضانی^۳، ۲۰۲۱) مسئولیت‌پذیری باعث می‌شود هر فرد تعهدات خود را در تعاملات بین رشته‌ای دقیقاً بشناسد. همکاری بین رشته‌ها معمولاً شامل پروژه‌های پیچیده و مشترک است؛ بدون مسئولیت‌پذیری، کارها رها، ناقص یا تداخل پیدا کرده و ایجاد حس مسئولیت مشترک، تیم‌ها را به پیگیری فعالیت‌ها و رعایت استانداردهای اخلاقی ملزم می‌کند. اهمیت این موضوع در رابطه حسابداری-حقوق و سایر رشته‌ها حسابداری بدون مسئولیت‌پذیری می‌تواند اطلاعات مالی نادرست ارائه دهد و سازمان را در معرض تخلفات قانونی قرار دهد. متخصص حقوقی بدون مسئولیت‌پذیری می‌تواند با تفسیر نادرست یا بی‌توجهی، تصمیمات مالی و مدیریتی را مختل کند. در تیم‌های چندرشته‌ای (مثل مدیریت پروژه، سلامت، محیط‌زیست)، مسئولیت‌پذیری بستری بسیار حیاتی برای اعتماد متقابل است.

۲. کاهش خطا^۴

چرا شناخت این مفهوم مهم است؟

(باندراي و جاواخادز^۵، ۲۰۱۷) بسیاری از اشتباهات سازمانی و حتی فجایع اجتماعی ناشی از عدم درک متقابل بین متخصصان رشته‌های مختلف است. همکاری بین‌رشته‌ای، اگر بدون فهم مشترک مفاهیم انجام شود، می‌تواند باعث برداشت‌های اشتباه، دوباره کاری، تصمیم‌گیری مغرضانه، ریسک‌های قانونی، مالی و خسارت‌های اجتماعی شود. چگونه شناخت مفاهیم مشترک، خطا را کاهش می‌دهد؟

1 CHung & CHarles

2 Responsibility

3Abbasi & Ramezani

4 Error Reduction

5 Bhandari & Javakhadze

ایجاد درک مشترک از اصول پایه در خصوص موضوع بحث (مثلاً ریسک، شفافیت، اعتماد، اخلاق، استاندارد) باعث همسو شدن نگاه متخصصان می‌شود. هر رشته با دیدگاهی متفاوت به موضوع نگاه می‌کند؛ شناخت مفاهیم مشترک باعث می‌شود: حسابدار، نگرانی‌های حقوقی را درک کند. متخصص حقوقی محدودیت‌های مالی و حسابداری را بفهمد که متعاقب شناخت مفاهیم مشترک خطا در پیامدهای اجتماعی کمتر خواهد بود و در نمودارها این کاهش خطا نمودار می‌پیدا می‌کند.

۳. نقش در جامعه^۱

چرا شناخت نقش اجتماعی رشته‌ها برای همکاری ضروری است؟

(احمد و همکاران^۲، ۲۰۱۶) مطابق تعاریف جامعه‌شناسی و دانش اجتماعی و بررسی‌های انجام شده در گروه‌بندی و رشته‌های شغلی و تعاریف روش تحقیق هر رشته مأموریتی اجتماعی دارد. وقتی متخصصان درک کنند که نقش آن‌ها در جامعه مکمل نقش رشته‌های دیگر است، همکاری میان آن‌ها طبیعی‌تر و مؤثرتر می‌شود. برای نمونه: حسابداری به شفافیت اقتصادی کمک می‌کند. حقوق به نظم اجتماعی و عدالت شکل می‌دهد. مدیریت هماهنگ‌کننده میان منابع انسانی، مالی و قانونی است. علوم اجتماعی به درک رفتار انسانی کمک می‌کند و اگر این نقش‌ها شناخته نشوند نه تنها رشته‌ها یکدیگر را رقیب می‌بینند بلکه همکاری تبدیل به تعارض می‌شود. تصمیمات اجتماعی ناقص و تک‌بعدی می‌گردد. اما وقتی نقش‌ها شناخته شوند: هر رشته می‌فهمد که به تنهایی کافی نیست. همکاری تبدیل به تکمیل‌کنندگی می‌شود. تصمیمات پیچیده اجتماعی و اقتصادی، کیفیت بالاتری می‌یابند. در نهایت امر شناخت مفاهیم مشترک میان رشته‌ها برای ارتقای همکاری بین‌رشته‌ای پیدا می‌کند و این ضرورت به علت‌های زیر می‌باشد:

✓ مسئولیت‌پذیری → اعتماد و تقسیم کار دقیق.

✓ کاهش خطا → هماهنگی و تصمیم‌گیری دقیق‌تر.

✓ شناخت نقش اجتماعی → همکاری سازنده و مؤثر.

۲-۳- نقش تفسیر منطقی استدلال و مهارت قانع‌سازی

۱. تفسیر منطقی^۳

(کشاوری و گل‌گون، ۱۴۰۴) تفسیر منطقی یعنی فهم دقیق و بدون یکجانبه‌نگری اطلاعات، قوانین، داده‌ها و موقعیت‌ها بر اساس اصول عقلانی است اما نتیجه با ارزش، نقش و اهمیت آن جلوگیری از برداشت‌های احساسی، عجولانه یا جانبدارانه و کمک به تحلیل درست رابطه میان داده‌ها و نتایج، تبدیل اطلاعات خام نتایج قابل اعتماد، کاهش سوء تفاهم و اختلاف در کار تیمی است که پایه‌گذاری تصمیم‌گیری علمی و اصولی را بدنبال خواهد داشت.

۲. استدلال^۴

(کشاوری و گل‌گون، ۱۴۰۴) استدلال یعنی ساختن پیوند منطقی بین مقدمات و نتیجه به گونه‌ای که نتیجه قابل دفاع باشد. نقش و اهمیت آن ایجاد توانایی برای ارائه توضیح روشن و متقاعدکننده، کمک به حل مسئله، پیش‌بینی پیامدها و

1 Social Role

2 Ahmed et al

3 Logical Interpretation

4 Reasoning

انتخاب بهترین گزینه، امکان دفاع علمی از نظر یا تصمیم، ایجاد ساختار فکری مشترک در همکاری‌های بین‌رشته‌ای، تبدیل دیدگاه فردی به دیدگاهی قابل ارزیابی توسط دیگران.

- معنای آن: توانایی تحلیل داده‌ها، شواهد و استدلال‌ها بر اساس اصول منطق و عقلانیت.

- در حسابداری: تحلیل گزارش‌های مالی و کشف روابط علت و معلولی میان اعداد و تصمیمات مدیریتی.

- در حقوق: تفسیر قوانین و قراردادهای بر پایه منطق حقوقی و جلوگیری از برداشت‌های سطحی یا مغرضانه.

- نقش اجتماعی: ایجاد شفافیت در گفت‌وگوها و تصمیمات، کاهش سوء تفاهم و افزایش اعتماد عمومی.

۳. مهارت قانع‌سازی^۱

(تقی‌زاده و رقیب‌دوست، ۱۴۰۴) مهارت قانع‌سازی یعنی توانایی انتقال پیام، استدلال و ارزش یک نظر یا راه‌حل به گونه‌ای که دیگران آن را بپذیرند. نقش و اهمیت آن ایجاد توافق و کاهش تعارض در تیم، افزایش اثربخشی تصمیمات سازمانی، توانایی تأثیرگذاری در جلسات، مذاکرات و ارائه‌ها، کلید ارتباط موفق با مدیران، مشتریان، ذینفعان و جامعه، تسهیل همکاری بین‌رشته‌ای با ایجاد زبان مشترک و ارتباط مؤثر. قانع‌سازی واقعی ترکیبی از استدلال محکم، احترام به طرف مقابل، انتقال شفاف پیام، درک احساسات و نیازهای مخاطب است. قانع‌سازی: متقاعد کردن قاضی، موکل یا طرف مقابل در مذاکره. هر دو رشته برای اثرگذاری اجتماعی و حرفه‌ای به هر سه مهارت نیاز حیاتی دارند. این دو توانایی، یعنی تفسیر منطقی استدلال و مهارت قانع‌سازی، در هر رشته علمی و در ساختارهای اجتماعی و سازمانی نقشی بنیادین دارند.

- در حسابداری: قانع کردن مدیران یا سرمایه‌گذاران نسبت به اهمیت شفافیت مالی یا ضرورت اصلاح ساختار هزینه‌ها.

- در حقوق: دفاع از موکل یا توضیح قوانین به گونه‌ای که قاضی یا طرف مقابل متقاعد شود.

- نقش اجتماعی: ایجاد همگرایی، کاهش تعارضات و توانایی هدایت افراد به سمت تصمیمات درست و مشترک.

- ترکیب این دو رشته، هم در شرکت‌ها، سازمان‌ها و هم در جامعه، به ارتقای همکاری، کاهش خطا و افزایش مسئولیت‌پذیری منجر می‌شود. بدون تفسیر منطقی، استدلال‌ها ممکن است سطحی یا مغرضانه شوند؛ بدون قانع‌سازی، حتی بهترین استدلال‌ها هم بی‌اثر خواهند بود. این دو مهارت در کنار هم، ابزار اصلی برای رهبری فکری، مدیریت مؤثر و ایجاد عدالت اجتماعی هستند. این سه عنصر در کنار هم یک چرخه قدرت‌مند ایجاد می‌کنند.

۲-۴- نقش و جایگاه کارشناسان رسمی دادگستری در حوزه مالی و حقوقی

دادگستری به عنوان یک ارگان دولتی در وهله اول افرادی را که در رشته‌های متناسب و متفاوت با این عنوان مانند اقتصاد، حسابداری، مدیریت، حقوق و ... تحصیل کرده‌اند را استخدام می‌کند و برای بررسی دقیق‌تر محاسبات مالیاتی، حقوقی و ... در این بخش و رسیدن به جرائم صورت گرفته از این افراد مدد می‌طلبد. زمانی که قاضی، در یک پرونده، با موضوعی مواجه می‌شود که تخصص کافی، برای اظهار نظر در آن را ندارد، نظر تخصصی کارشناس رسمی را می‌خواهد. حضور در محلی که برای اظهار نظر توسط دادگاه تعیین شده، رایحه اظهار نظر، طی یک گزارش و مواردی از این دست، از وظایف کارشناسان رسمی دادگستری، می‌باشد. در واقع، کارشناسان رسمی دادگستری بازوی فنی و علمی قوه قضاییه هستند که با تکیه بر تخصص خود به حل اختلافات در رشته‌هایی چون حسابداری، مدیریت صنعتی، مالی و ارزیابی دارایی‌ها، حقوق، تشخیص حدود املاک و بسیاری از امور فنی و ... به کشف حقیقت کمک می‌کنند.

آزمون ورودی این حرفه نه فقط سنجش دانش، بلکه آزمون امانت‌داری، نظم، دقت و تسلط بر استانداردها است. این افراد با گذراندن مراحل سخت آزمون، گزینش و آموزش‌های تخصصی، مجوز رسمی خود را از مراجع قانونی دریافت می‌کنند. در دنیای حقوقی و مالی، پرونده‌های حقوقی و مالی به علت پیچیدگی‌های مرتبط با مسایل مالی و تجاری از حساسیت بالایی برخوردارند. کارشناسان رسمی دادگستری به عنوان یک حرفه‌ای با تخصص در حوزه‌های مالی، اقتصادی و قانونی، حقوقی و ... نقش مهمی در ارزیابی و تحلیل این پرونده‌ها ایفا می‌کنند. کارشناس رسمی دادگستری، امانت‌دار حقیقت است. او نه در پی اثبات ادعا، بلکه در پی روشن کردن واقعیت مالی و فنی-حقوقی و ... است. دانشی که از آزمون او سنجیده می‌شود، مجموعه‌ای از حسابداری، حقوق، مدیریت، اخلاق و دقت است. منظور از کارشناسان رسمی دادگستری افرادی هستند که در حرفه و فن معینی صاحب‌خبرگی و مهارت می‌باشد اعم از این که این تخصص را بر اثر تحصیلات دانشگاهی کسب کرده باشد و یا بر اثر تجربه کاری که طی سالیان طولانی کسب کرده باشد. دادگاه‌ها برای حل و فصل دعوا در مواردی که تشخیص امری به دلیل فنی و تخصصی بودن احتیاج به جلب نظر اهل فن و خبره در آن موضوع دارد، یا به درخواست طرفین دعوا یا به تشخیص خود، موضوع را برای اعلام نظر به کارشناس ارجاع می‌دهد.

برخی از مرتبط‌ترین، معتبرترین و به‌روزترین پیشینه‌های پژوهش در راستای عوامل تاثیرگذار مالی و حقوقی که مرکز و کانون توجه کلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد، به شرح ذیل می‌باشند:

لین و همکاران^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی تحت عنوان «همگرایی استانداردهای مالی و تاثیر آن بر قانون محور بودن رشته حقوق» پرداختند. یافته‌ها بیانگر آن است که همگرایی، ضمن کاهش تفاوت‌های حقوقی و حسابداری، به ایجاد چارچوبی شفاف‌تر برای گزارشگری مالی و حقوقی منجر شده و امکان اجرای بهتر قوانین تجاری، مالیاتی و حقوقی را فراهم کرده است. همچنین هم‌گرایی حسابداری و حقوق نه تنها به شفافیت و اعتماد ذینفعان کمک می‌کند، بلکه در سطح نهادی و قانونی نیز نقش مهمی در کاهش اختلافات و ارتقای عدالت اقتصادی، اجتماعی و ... دارد.

ما^۲ (۲۰۲۴) در پژوهشی تحت عنوان «پیامدهای اقتصادی و حقوقی هم‌گرایی استانداردهای حسابداری و حقوقی» پرداخت. نتایج نشان داد که استفاده بهینه از قوانین و مقررات باعث کاهش ریسک‌های مالی و حقوقی می‌شود و اعتماد به اطلاعات مالی و حقوقی شرکت‌ها و سازمان‌ها را افزایش می‌دهد. در نتیجه، هم‌گرایی حسابداری و حقوقی به تسهیل جریان مالی و حقوقی کمک می‌کند.

ترایمبل و سانگ^۳ (۲۰۲۴) در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی مزایا و چالش‌های هم‌گرایی حسابداری و حقوق» پرداختند. از منظر حقوقی، هم‌گرایی موجب ارتقای شفافیت و کاهش دعاوی ناشی از تفاوت‌های استاندارد می‌شود. اما از سوی دیگر، خطر از دست رفتن انعطاف‌پذیری محلی و ناسازگاری با برخی نظام‌های حقوقی وجود دارد. نتایج نمایانگر آن است که هم‌گرایی باید با در نظر گرفتن تفاوت‌های مالی و حقوقی کشورها اجرا شود تا تعادل میان شفافیت جهانی و نیازهای محلی حفظ گردد.

1 Lin et al

2 Ma

3 Trimble & Song

بنگستون و آرگانتو^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی تحت عنوان «همگرایی حسابداری و درک پذیرش مباحث حقوقی» پرداختند. نتایج بیانگر آن است که روند همگرایی این دو رشته در کشورها یکسان نیست. رابطه میان حسابداری و حقوق مکمل است و هر دو بر مسئولیت‌پذیری و کارایی اجتماعی تمرکز دارند و موجب هم‌افزایی و همگرایی در منظر اجتماعی می‌شوند. همچنین همگرایی این دو رشته اعتبار و انطباق مالی و حقوقی را افزایش داده اما میزان اثربخشی به اجرای قوانین مالی و حقوقی دارد.

سوال اصلی پژوهش

با عنایت به اینکه این پژوهش به روش کیفی انجام شده است. لذا، این رویکرد که منجر به استفاده از نظریه داده بنیاد شده است، فرضیه‌ای وجود ندارد و از آنجا که پژوهش کنونی در پی ارائه الگوی مناسبی برای همگرایی بین رشته حسابداری و رشته حقوق می‌باشد، ابتدا به دنبال یافتن مولفه‌های مناسب برای تبیین و تفسیر الگوی مورد نظر خواهیم بود که در این راستا سوال زیر عنوان شده است: مهم‌ترین و کلیدی‌ترین عوامل و مولفه‌های همگرایی میان رشته حسابداری و رشته حقوق چه می‌باشند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش کنونی از نوع آمیخته «رویکرد کمی و کیفی» بوده و هدف آن کشف ماهیت پدیده‌ها، آزمودن نظریه و گسترش دانش موجود است که به طور فلسفی و تجربی طراحی شده و از منطق استقرایی در اجرا استفاده می‌نماید. در این پژوهش، استراتژی نظریه داده بنیاد^۲، برای الگوسازی به کار رفته است. در مرحله کیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از فرآیندهای کدگذاری باز^۳، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی^۴، طبق مدل پارادایمی استراوس و کوربین^۵ (۱۹۹۸) در افق زمانی فروردین ۱۴۰۳ لغایت شهریور ۱۴۰۴ انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل مدیران ارشد و اجرایی و وکلای دادگستری است که از طریق سایت حقوقیجهت شناسایی حسابداران و وکلای برجسته و صلاحیتدار در این پژوهش در حوزه حسابداری و حقوق ایران مورد تایید می‌باشند و دارای تخصص، تبحر و تجربه کافی بیش از ۱۵ سال، منحصراً شاغل در حرفه حسابداری و حقوق هستند. همچنین از نمونه‌گیری هدفمند «گزینشی» به تعداد ۵۸ نفر برای انتخاب خبرگان استفاده شده و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته تا رسیدن به مرحله اشباع نظری ادامه داشته است. در مرحله کمی، برای فازی‌سازی دیدگاه خبرگان، از اعداد فازی مثلثی و نظرسنجی به روش دلفی فازی با طیف لیکرت ۷ درجه استفاده شده است.

1 Bengtsson & Argento
2 Grounded Theory
3 Open Coding
4 Selective Coding
5 Strauss & Corbin

جدول شماره (۱) طیف هفت درجه فازی برای شاخص‌گذاری ارزش‌ها

متغیر زبانی	عدد فازی	مقیاس عدد فازی
به طور کامل بی‌اهمیت	۱	۰ / ۱٪
خیلی بی‌اهمیت	۲	۰ / ۱٪ / ۴٪
بی‌اهمیت	۳	۱٪ / ۴٪ / ۶٪
متوسط	۴	۴٪ / ۶٪ / ۸۳٪
با اهمیت	۵	۶٪ / ۸۳٪ / ۸٪
خیلی با اهمیت	۶	۸۳٪ / ۷٪ / ۸٪
به طور کامل با اهمیت	۷	۰ / ۱ / ۰

۴- یافته‌های پژوهش

در پژوهش کنونی، داده‌های بدست آمده از طریق مصاحبه به صورت گام به گام «پس از پایان یافتن هر مصاحبه» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به همین منوال مصاحبه‌ها به دلیل به اشباع رسیدن، تا نفر ۳۸ ادامه یافت. بعد از انجام مصاحبه، مفهوم‌پردازی در هر مصاحبه صورت گرفته و موضوعات کلیدی و مقوله‌ها استخراج شدند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه پژوهش در بخش کیفی، در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول شماره (۲) مشخصات جمعیت‌شناسی مشارکت‌کنندگان

متغیر	فراوانی	درصد	
جنسیت خبرگان	مرد	۱۲	۵۸٪/۲
	زن	۵	۳۰٪/۳۲
سن خبرگان	کمتر از ۳۵ سال	۱۲	۸۲٪/۴۲
	بین ۳۶ تا ۴۵ سال	۲۰	۸۲٪/۵۰
	بیش از ۴۶ سال	۳	۶۲٪/۳۶
میزان تحصیلات خبرگان	کارشناسی ارشد	۷	۷۲٪/۹۱
	دکتر	۱۶	۱۰٪/۳۲

جهت تدوین و گردآوری داده‌های آماری از طریق مصاحبه باز و به صورت نیمه ساختاریافته که به طور متوسط به مدت ۴۵ دقیقه تا ۱:۳۰ ضبط شد. سؤالات مصاحبه‌شوندگان بر اساس سطح تحصیلات، میزان تجربیات، نوع و سابقه فعالیت آنها انجام شده است. در پژوهش کنونی، مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش با بررسی و مرور خط به خط متون مصاحبه و استخراج مفاهیم از آنها، بر اساس شباهت‌ها و قرابت معنایی و مفهومی میان کدها و در قالب مفاهیم مرتبط طبقه‌بندی و بر اساس تحلیل چند پاسخی اولویت‌بندی شدند. در مرحله کدگذاری محوری، مقوله‌های مستخرج از کدگذاری باز شامل ۹۵ کد اولیه «شاخص» و کد ثانویه تحت ۶ دسته اصلی: شرایط زمینه‌ای^۱ «شرایط خاص»، شرایط علی^۲، مقوله محوری، شرایط مداخله‌گر^۱ «شرایط عام»، شرایط راهبردی^۲ و پیامدی^۳ قرار گرفتند.

1 Background conditions

2 Causal conditions

در این مرحله برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل «اجماع نظرات خبرگان» از روش دلفی فازی استفاده شد. از این رو پرسشنامه‌ای که ۹۵ گویه داشت، تدوین و در اختیار خبرگان قرار گرفت. پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، مقدار قطعی همه گویه‌ها با عدد آستانه ۰/۷ مقایسه شد. جدول (۳) نتایج حاصل از فرآیند روش دلفی فازی را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳) شناسایی شاخص‌ها بر اساس نظرات خبرگان و مدل فازی

عوامل	گویه‌ها «مضامین مفهومی»	میانگین فازی		
		کران پایین (L)	مقدار محتمل (M)	کران بالا (U)
پذیرش	دقت، توجه به جزئیات و نظم ذهنی جهت استدلال‌های منطقی برای رسیدن به موفقیت در هر دو رشته امری حیاتی است.	۰/۸	۰/۹۶	۰/۸۱
پذیرش	پایبندی به اصول و موازین اخلاقی، وجدان کاری و اعتمادپذیری نقش بسزایی در این دو رشته دارد.	۰/۸۵	۰/۸	۰/۴۵
پذیرش	مهارت در ارتباط و بیان روشن نقش پایه‌ای و اساسی در کار دارد و به عنوان ستون مشترک هستند.	۰/۵۲	۰/۷۵	۰/۵۶
پذیرش	رفتار درست و منصفانه عامل اساسی موفقیت یک حسابدار و یک حقوقدان است.	۰/۶۳	۰/۴۷	۰/۸۰
پذیرش	توانایی مدیریت زمان، توانایی دسته‌بندی اطلاعات، توانایی بیان دقیق و کلمات محور نقش برجسته‌ای در هر دو رشته دارد.	۰/۷۹	۰/۶۴	۰/۷۰
پذیرش	قدرت پردازش و تحلیل گزارش‌ها و پرونده‌های پیچیده مالی و قضایی و پیش‌بینی واکنش طرفین امر بسیار مهمی است.	۰/۸۵	۰/۴۵	۰/۷۵
پذیرش	ساختارهای نهادی و سازمانی در هر دو رشته چارچوب فعالیت را تعیین می‌کنند.	۰/۹۱	۰/۶۲	۰/۶
پذیرش	فشارهای اجتماعی و اقتصادی، نیاز جامعه را به شفافیت اطلاعات و عدالت‌مندی این دو رشته شکل می‌دهد.	۰/۷۲	۰/۸۲	۰/۴۰
پذیرش	نیاز جامعه به یک حسابدار و یک حقوقدان عامل بیرونی است که بر فرصت‌های شغلی تاثیر می‌گذارد.	۰/۹۵	۰/۷۲	۰/۵۸

پذیرش	%۴۵	%۸۲	%۶۶	%۴۵	نظام مالیاتی و نظام قضایی و تغییرات قوانین، استانداردها و ... محیط کار را شکل می‌دهد.	
پذیرش	%۷۷	%۷۵	%۵۵	%۶۱	تغییرات لحظه‌ای در نظام مالیاتی و نظام قضایی بیانگر آن است که حسابدار و وکیل دائماً باید مطابق بخشنامه‌ها کار کنند.	
رد	%۵۹	%۸۱	%۸	%۵۰	تغییرات اجتماعی و فرهنگی «افزایش یا کاهش برخی دعاوی مالی و قضایی» مستقیماً شرایط کار هر دو گروه را تغییر نمی‌دهد.	
پذیرش	%۹۸	%۶۰	%۷۱	%۸۵	هر چه ساختار مالی و حقوقی شفاف‌تر و سلیس‌تر باشد، نقش حسابدار و وکیل متعادل‌تر و تخصص‌تر است.	
پذیرش	%۸۸	%۸۳	%۴۶	%۶۱	بخش عمومی در حسابداری بر شفافیت مالی و در حقوق بر عدالت و نظم اجتماعی تمرکز دارد.	
پذیرش	%۸۴	%۵۷	%۸۱	%۸۵	تضمین منافع عمومی، آزادی بنیادین مالی و اجتماعی هدف اصلی بخش عمومی است.	
پذیرش	%۷۵	%۸۱	%۷۹	%۷۵	مهم‌ترین اصل بخش عمومی رعایت قوانین و مقررات مالی و حقوقی است که در هر کشور متبلور می‌شود.	
پذیرش	%۴۶	%۷۵	%۶۲	%۷۷	رشته حسابداری و رشته حقوق از دیدگاه بخش عمومی در کنار هم و مکمل یکدیگرند.	ویژگی
رد	%۶۳	%۹	%۵۸	%۴۵	گزارشگری مالی و حقوقی در بخش عمومی بیشتر بر سود تمرکز دارد تا شفافیت.	بخش عمومی
پذیرش	%۸	%۷۷	%۶۶	%۹۰	تمرکز گزارشگری مالی و حقوقی در بخش عمومی بیشتر بر اثربخشی و کارایی است.	
پذیرش	%۴	%۸۸	%۷۲	%۴۱	بدلیل حساسیت بخش عمومی، کنترل و نظارت بسیار گسترده و سخت‌گیرانه است.	
پذیرش	%۹۱	%۸۲	%۵۲	%۶۵	حق دسترسی به اطلاعات مالی و حقوقی و جلوگیری از فساد از مباحث مهم و حیاتی بخش عمومی است.	
پذیرش	%۴۹	%۶۳	%۵۰	%۶۶	بدلیل حساسیت بخش عمومی، تصمیمات مالی و حقوقی باید از مسیر قانونی، رسمی و مستند عبور کنند.	
رد	%۵۲	%۸۴	%۹	%۵	بدلیل حساسیت بخش عمومی، تنها حقوق به شفافیت گزارش‌ها اهمیت می‌دهد.	
پذیرش	%۵۹	%۸۰	%۷	%۷۲	نظارت موثر و فرهنگ منسجم، بروز تخلفات مالی را کاهش می‌دهد.	
پذیرش	%۷۵	%۵۸	%۸۸	%۸۵	هرچه فرهنگ قوی‌تر و دقیق‌تر باشد، روابط حسابداری و حقوق یکپارچه‌تر می‌گردد.	فرهنگ
پذیرش	%۸۴	%۸۲	%۶۷	%۶۲	فرهنگ میزان صداقت و شفافیت را تعیین می‌کند و آن را ارتقاء می‌بخشد.	

ش	پذیرش	پذیرش	پذیرش	پذیرش	ش
	۵۱٪	۷۲٪	۸۷٪	۶۹٪	تدوین قوانین شفاف و گویا موجب همگرایی بیشتر حسابداری و حقوق می‌شود.
	۶۸٪	۵۰٪	۸۷٪	۶۳٪	شفافیت منجر به انتشار اطلاعات معتبر و قابل اتکاء بین رشته حسابداری و حقوق می‌گردد.
	۷۵٪	۸۴٪	۷۵٪	۵۸٪	شفافیت قوانین شفاف و گزارشگری معتبر در حسابداری و حقوق، فرآیندهای تصمیم‌گیری را بهینه می‌نمایند.
	۷۷٪	۶۱٪	۴۶٪	۴۹٪	شفافیت و افشای کامل و به موقع اطلاعات مالی و حقوقی منجر به تصمیم‌های منطقی و درست می‌شود.
	۶۰٪	۷۵٪	۸۴٪	۴۲٪	شفافیت و افشای کامل و به موقع اطلاعات مالی و حقوقی امکان پنهان‌کاری، تخلف و ... را کاهش می‌دهد.
	۶۴٪	۸٪	۶۶٪	۷۸٪	شفافیت و افشای کامل و به موقع اطلاعات مالی و حقوقی موجب کاهش رشوه، تبعیض و رانت و ... می‌شود.
	۸۱٪	۵۵٪	۷٪	۹۲٪	با تقویت نقش حسابداری و حقوق، شرکت‌ها، سازمان‌ها، ادارات و ... بیشتر در برابر ذینفعان پاسخگو می‌شوند.
	۷۵٪	۷۴٪	۸۰٪	۴۶٪	قوانین و قراردادهای الزام‌آور شرکت‌ها و سازمان‌ها و ... را ملزم به پاسخگویی ذینفعان و جامعه می‌نماید.
	۶۲٪	۵۱٪	۶۲٪	۴۴٪	هم‌افزایی بین حسابداری و حقوق باعث می‌شود که اعتماد و مسئولیت عمومی بیشتری بین این دو رشته صورت گیرد.
	۶۸٪	۶۶٪	۷۱٪	۸۱٪	سیستم نظارتی قوی بر امور مالی و حقوقی جهت پاسخگویی کمک می‌کند و سیستم بازدارنده قوی ایجاد می‌کند.
	۸۷٪	۷۱٪	۸۱٪	۷۲٪	تقویت فرهنگ مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در امور مالی و حقوقی نمایانگر درستی و صحت عملکرد طرفین است.
	۹۵٪	۶۴٪	۵۱٪	۹۹٪	رشته حسابداری و حقوق نقش یکسان در ایجاد پاسخگویی، مبارزه با فساد، حفاظت از حقوق مردم و افزایش اعتماد دارند.
	۸۵٪	۸۵٪	۸۱٪	۶۶٪	استانداردهای حسابداری و حسابرسی زمینه اصلی تفسیر حقوقی اطلاعات مالی هستند.
	۶۱٪	۷۲٪	۵٪	۸۴٪	رعایت قوانین و استانداردها به کاهش تحریف و ریسک تخلف و جلوگیری از تبعات قانونی و ... کمک می‌کند.
	۴۴٪	۷۰٪	۶۰٪	۸۱٪	رویکرد حسابداری و حقوقی به پایداری به قوانین در وضعیت ایمن و کاهش ریسک‌های مالی، مالیاتی و حقوقی کمک می‌کند.

پذیرش	٪۹	٪۵۳	٪۶۰	٪۷۴	حسابداری صداقت و حقیقت را آشکار می‌کند و حقوق از آن دفاع می‌کند.	
پذیرش	٪۸۴	٪۹۲	٪۷	٪۶۵	صداقت و انصاف در هر دو رشته بیانگر شفافیت، بیطرفی، بدون تحریف بودن گزارشات و ... است.	عدالت و انصاف
پذیرش	٪۵۸	٪۸۴	٪۶۵	٪۶۱	صداقت و انصاف در هر دو رشته زمانی محقق می‌گردد که گزارش‌ها به موقع، بدون جانبداری و با افشای کامل اطلاعات و مدارک و مستندات همراه باشد.	صداقت در بیان
رد	٪۹	٪۸۳	٪۵۲	٪۴۴	صداقت، انصاف و عدالت در هر دو رشته بیانگر رعایت تساوی و بیطرفی در ارائه اطلاعات است.	گزارشات
پذیرش	٪۷۲	٪۹۱	٪۷۹	٪۵۲	رعایت بی‌طرفی، جلوگیری از جانبداری و بیان اطلاعات واقعی از منظر مالی و حقوقی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.	ت
پذیرش	٪۹۹	٪۸۰	٪۴۵	٪۶۲	ارائه اطلاعات شفاف و دقیق در حسابداری و حقوق به ذینفعان کمک کرده تا تصمیم آگاهانه بگیرند.	
پذیرش	٪۵۱	٪۶۵	٪۶۴	٪۷۵	حسابداری و حقوق با رعایت اصل بیطرفی باعث می‌شوند تا اعتماد و حقوق ذینفعان حفظ شود.	
پذیرش	٪۸۸	٪۸۴	٪۸۲	٪۶۱	مشاوران مالی و حقوقی با نظارت بر رعایت قوانین و قراردادهای منصفانه از حقوق قانونی ذینفعان حمایت می‌کنند.	حمایت از حقوق
پذیرش	٪۴۶	٪۵۴	٪۷۵	٪۵۵	مقصد حسابداری و حقوق هر دو یکی است حفظ حقوق ذینفعان و ارتقای سلامت جامعه.	ذینفعان
پذیرش	٪۶۷	٪۸۵	٪۹۴	٪۶۲	قوانین و مقررات مالی و حقوقی باید به گونه‌ای طراحی شوند که از تضییع و سوءاستفاده حقوق ذینفعان جلوگیری شود.	
پذیرش	٪۸۲	٪۸	٪۷۴	٪۷۵	اطلاع‌رسانی و پاسخگویی به هنگام مکانیزمی جهت پاسخگویی و حمایت از حقوق ذینفعان محسوب می‌گردد.	
پذیرش	٪۸۴	٪۸۹	٪۶۳	٪۶۰	فراهم نمودن ساز و کارهای حل اختلاف و اعتماد اجتماعی در حسابداری و حقوق حمایت ذینفعان را در پی دارد.	
پذیرش	٪۹۱	٪۷۵	٪۶۶	٪۴۸	مبارزه با فساد و تخلفات مالی و حقوقی نقش برجسته و موثری در رشته حسابداری و حقوق به خود اختصاص داده است.	جلوگیری از تخلفات مالی و اجرای عدالت
پذیرش	٪۶۰	٪۸	٪۵۷	٪۵۵	ترکیب رشته حسابداری و حقوق، هم مانع تخلف می‌شوند و هم عدالت اجتماعی را برقرار می‌نمایند.	
پذیرش	٪۷۱	٪۶۵	٪۷۳	٪۶۲	از آنجا که حسابداری و حقوق مکمل و در کنار هم هستند هر دو چرخه پیشگیری و عدالت را کامل می‌نمایند.	
پذیرش	٪۵۷	٪۸۰	٪۷۳	٪۷۵	حسابداری با ارائه اطلاعات شفاف و دقیق و حقوق با اجرای قوانین می‌توانند بطور	حقوقی

ش	مشترک از تخلفات و جرائم مالی ممانعت کنند.			
پذیرش	٪۶۷	٪۸۷	٪۶۰	٪۶۲
ش	انطباق حسابداری و حقوق منجر به پیشگیری از جرائم و زمینه‌ساز حمایت از حقوق سهامداران و ذینفعان است.			
پذیرش	٪۶۵	٪۸۵	٪۸۱	٪۸۴
ش	تلفیق حسابداری و حقوق منجر به سلامت مالی و حقوقی و مصونیت از یکسری جرائم می‌شود.			
پذیرش	٪۶۶	٪۶۷	٪۷	٪۸۷
ش	ابهام و خلاء از نظر مالی و حقوقی منجر به ریسک بالا و بهره‌برداری نادرست از اطلاعات می‌گردد.			
پذیرش	٪۷۷	٪۶۶	٪۷۵	٪۶۳
ش	ابهام در قوانین و استانداردها منجر به تفسیرهای چندگانه و اختلافات حقوقی می‌شود.			
پذیرش	٪۷۲	٪۵۱	٪۴۷	٪۴۸
ش	هر چه ابهام بیشتر باشد، تعامل حسابداری و حقوق پیچیده‌تر می‌شود.			
پذیرش	٪۹	٪۵۷	٪۵۹	٪۶۶
ش	وجود خلاءهای قانونی در حوزه حسابداری و حقوق ریسک تخلف و سوء استفاده را بیشتر می‌کند.			
پذیرش	٪۷۲	٪۶۵	٪۷۱	٪۵۵
ش	وجود ابهام و خلاء از منظر مالی و حقوقی منجر به سلیقه‌ای و ناعادلانه شدن تصمیمات می‌گردد.			
پذیرش	٪۵	٪۶۵	٪۸	٪۵۰
ش	وجود ابهام و خلاء از منظر مالی و حقوقی منجر به کاهش اعتماد و امکان سوء استفاده می‌گردد.			
پذیرش	٪۸۱	٪۸	٪۷۲	٪۷۵
ش	سطح مهارت و آگاهی از قوانین، مقررات و استانداردهای حسابداری و حقوقی منجر به تفسیرها و نتایج درست می‌گردد.			
پذیرش	٪۸۰	٪۸۳	٪۶۰	٪۹۰
ش	وجود مهارت و آگاهی باعث می‌شود هر دو رشته ریسک‌ها را بهتر بشناسند و تصمیم‌های مدیریتی بهتری را اتخاذ نمایند.			
پذیرش	٪۸۲	٪۷۰	٪۵۲	٪۴۲
ش	وجود مهارت و آگاهی باعث می‌شود هر دو رشته به اطلاعات سریعتر دسترسی یابند و دعاوی را دقیق‌تر تحلیل نمایند و عدالت را کارآمدتر اجرا نمایند.			
رد	٪۶۰	٪۸۱	٪۸	٪۸۱
ش	آگاهی مالی و حقوقی جهت درک تغییرات برای تصمیم‌گیری دقیق و پیش‌بینی روندها ضروری نیست.			
پذیرش	٪۵۶	٪۸۸	٪۷۰	٪۷۱
ش	تسلط بر نرم‌افزارهای مالی و حقوقی باعث افزایش سرعت، دقت کار، جستجوی هوشمند و بازیابی سریع اطلاعات می‌گردد.			
پذیرش	٪۴۴	٪۷۵	٪۶۳	٪۷۰
ش	در بحث فناوری، ابزارهای هوش مصنوعی نتایج، ریسک‌ها و راهکارهای قانونی را بطور احتمالی نشان می‌دهند.			
پذیرش	٪۵۸	٪۹۲	٪۷۲	٪۶۳
ش	آموزش بین رشته‌ای منجر به افزایش آگاهی و مهارت متخصصان در دو حوزه می‌شود و پل ارتباطی مهمی بین این دو رشته ایجاد می‌کند.			

ابهام و

خلاء

مهارت
آگاهی
فناوریآموزش
و

تحلیل گری	آموزش و تحلیلگری بین رشته حسابداری و حقوق منجر به شناسایی روندها و وضعیت مالی و حقوقی می‌گردد.	۷۷٪	۹٪	۸۸٪	۶۷٪	پذیرش
	آموزش و تحلیلگری بین رشته حسابداری و حقوق به آنان این امکان را می‌دهد که فرآیند بررسی و ارزیابی دقیقی از اطلاعات بیان شده داشته باشند.	۶۲٪	۵۵٪	۵۴٪	۶۱٪	پذیرش
	تحلیلگران مالی و حقوقی با تبیین و تفسیر دقیق قوانین و مقررات و مستندات قانونی درک بهتری از قوانین داشته و تصمیمات درست‌تری می‌گیرند.	۸۴٪	۶۷٪	۶۵٪	۵۸٪	پذیرش
	آموزش و تحلیلگری بین رشته حسابداری و حقوق به پرورش توان تحلیل و قضاوت منطقی تاکید دارد.	۹۲٪	۷۲٪	۹٪	۶۷٪	پذیرش
	تحلیل درست و منطقی در هر دو رشته منجر به کاهش اختلافات، دفاع از حقوق افراد و سازمان‌ها می‌گردد.	۶۱٪	۵۰٪	۶۲٪	۵۵٪	پذیرش
	آموزش و تحلیلگری بین رشته حسابداری و حقوق افراد را ملزم می‌نماید تا هم اطلاعات درست ارائه نمایند و هم در برابر جامعه مسئولیت‌پذیر باشند.	۷۵٪	۷۹٪	۷٪	۶۳٪	پذیرش
	نظارت و پیشگیری از دیدگاه مالی و حقوقی نمایانگر صحت عملکرد و تصمیم‌های صحیح مبتنی بر واقعیت است.	۶۴٪	۷۳٪	۸۸٪	۹۰٪	پذیرش
نظارت و پیشگیری	نظارت و پیشگیری از دیدگاه مالی و حقوقی بیانگر اطمینان از رعایت قوانین و جلوگیری از تصمیمات ناعادلانه است.	۸۵٪	۶۹٪	۸٪	۸۰٪	پذیرش
ی	آموزش، اطلاع‌رسانی و الزام به رعایت قوانین از دید مالی و حقوقی نقش مهمی در پیشگیری تخلفات دارند.	۷۵٪	۶۶٪	۵۷٪	۶۷٪	پذیرش
	نظارت دقیق و مستمر از دید مالی و حقوقی امکان دستکاری و سوءاستفاده مالی و حقوقی را کاهش می‌دهد.	۵۳٪	۷۴٪	۸۴٪	۸۱٪	پذیرش
	هدف رشته حسابداری و حقوق اعتمادسازی پایدار به ذینفعان در اقشار متعدد است.	۸۸٪	۷۰٪	۶۳٪	۴۸٪	پذیرش
اعتماد سازی و کارآمدی	ارائه اطلاعات واقعی و قابل اتکا در امور مالی و حقوقی اطمینان طرفین را افزایش می‌دهد.	۹۲٪	۶۲٪	۷۵٪	۶۲٪	پذیرش
	اطلاعات دقیق و ساختارمند مالی و حقوقی توانایی پاسخ به تغییرات را در هر زمینه افزایش می‌دهد.	۷۱٪	۵۹٪	۹۵٪	۵۳٪	پذیرش
ی	کارآمدی در امور مالی و حقوقی باعث می‌شود فرآیندهای مالی و حقوقی سریعتر، منظم‌تر و موثرتر اجرا شوند.	۴۷٪	۷۹٪	۶۲٪	۹۰٪	پذیرش
	کارآمدی در امور مالی و حقوقی باعث می‌شود با کمترین هزینه بهترین نتایج و اثرگذاری را بدست آورند.	۶۱٪	۸۲٪	۹٪	۸۱٪	پذیرش
کارآمد	از جمله مکانیزم‌های نظام مالیاتی و قضایی سرعت در رسیدگی به اختلافات عمومی	۶۰٪	۶۶٪	۴۶٪	۶۱٪	پذیرش

ش	پذیرش	پذیرش	پذیرش	پذیرش	ی نظام است.
پذیرش	۷۰٪	۵۲٪	۸۶٪	۷٪	هدف حسابداری و حقوق سرانجام ارتقای عدالت، کارایی و اعتماد اجتماعی است.
پذیرش	۷٪	۶۸٪	۷۲٪	۶۸٪	کارآمدی نظام مالیاتی و قضایی زمانی تقویت می شود که اطلاعات دقیق و شفاف، مدارک و مستندات کامل و واضح باشند تا فرآیند رسیدگی را تسهیل نمایند.
پذیرش	۴۸٪	۵۰٪	۶۰٪	۷۵٪	کارآمدی نظام مالیاتی و قضایی زمانی تقویت می شود که روند دادرسی بر اساس شفافیت، سرعت، صداقت و مستندات معتبر و منسجم و اثربخش باشد.
پذیرش	۷۲٪	۵۷٪	۶۳٪	۵۰٪	کارآمدی نظام مالیاتی و قضایی زمانی تقویت می شود که رسیدگی ها سریع، منصفانه و موثر واقع شوند.
پذیرش	۶۳٪	۶۷٪	۸۷٪	۸۵٪	کارآمدی نظام مالیاتی و قضایی زمانی حائز اهمیت است که به حفظ حقوق طرفین احترام بگذارند و اطاله دادرسی نگردد
پذیرش	۷۴٪	۷۵٪	۶۰٪	۷۲٪	انصاف، عدالت مالی و حقوقی کارآمدی مالیاتی و قضایی را به شکل عادلانه تقویت می کند.
پذیرش	۵۵٪	۴۸٪	۸۲٪	۸۲٪	کارآمدی نظام مالیاتی و قضایی به شفافیت، نظارت، فناوری، پاسخگویی و عدالت وابسته است.

در رهیافت نظام مند^۱ که با اثر اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) جهت کدگذاری داده‌ها «یافتن مفاهیم در داده‌ها» شناخته می شود (کرسول^۲، ۲۰۰۵) نظریه پردازی داده بنیاد، دارای چهار مرحله اصلی است که در این پژوهش به آنها اشاره می گردد:

کدگذاری باز: فرآیند تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می شوند. در این مرحله، نظریه پردازی داده بنیاد مقوله‌های اولیه اطلاعات در خصوص پدیده در حال مطالعه را، به وسیله بخش بندی^۳ اطلاعات شکل می دهد. پژوهشگر مقوله‌ها را بر همه داده‌های جمع آوری شده، نظیر مصاحبه‌ها، مشاهدات و وقایع یا یادداشت‌های خودبنیان می گذارد. در این پژوهش بر اساس روش تحلیل محتوا کلیه مصاحبه‌های ضبط شده توسط پژوهشگر به صورت سطر به سطر مورد بررسی و مقوله بندی و ارتباط مفهومی بین آنها از طریق کدگذاری باز مشخص گردید (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸).

کدگذاری محوری: فرآیند ربط دهی مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. این کدگذاری، به این دلیل «محوری» نامیده شده است که کدگذاری حول «محور» یک مقوله تحقق می یابد. در این مرحله، مقوله‌ها، ویژگی‌ها و ابعاد حاصل از کدگذاری باز، تدوین شده و سر جای خود قرار می گیرد تا دانش فزاینده‌ای در مورد روابط ایجاد گردد (لی، ۲۰۰۱).

1 Systematic

2 Cwellres

3 Segmentation

کدگذاری انتخابی: انتخاب مقوله‌های کلیدی که ارتباط مستقیمی با پدیده پژوهش دارند و تدوین چارچوب نظری اصلی.

اشباع نظری: زمانی که داده‌های جدید، اطلاعات قابل توجهی اضافه نکرده و همه مقوله‌ها و مفاهیم اصلی شناسایی و تحلیل شده‌اند.

بر اساس نظریه کرسول (۲۰۰۵) یک پژوهشگر نظریه‌پرداز داده بنیاد به سه صورت قادر است گزاره‌های به دست آورده را ارائه دهد که در این پژوهش، الگوی به دست آمده از مصاحبه‌شوندگان «حسابداران و وکلاء» به دو صورت ارائه گردیده است: در ابتدا مفاهیم مستخرج شده از مصاحبه‌ها در شش گروه تقسیم‌بندی گردید که هر یک از آنها به اختصار در ادامه تشریح شده است.

مقوله مرکزی: از آنجایی که موضوع پژوهش کنونی ارائه مدل بوده و مسئله اصلی این پژوهش همگرایی مفهومی از دیدگاه حسابداران و وکلا است. لذا، مصاحبه‌های انجام شده حول این محور صورت گرفته و در اکثر داده‌ها این موضوع به وضوح قابل رویت بود. بنابراین، بر اساس نظر خبرگان و متخصصان مصاحبه‌شونده نیز مقوله‌های مرکزی پژوهش کنونی شامل «رویکرد کیفی هم‌گرایی مفهومی در رشته حسابداری و رشته حقوق» انتخاب شد و سایر مفاهیم موجود به این موضوع ارتباط پیدا کرد. از دلایل دیگری که باعث شد مقوله، به عنوان مقوله مرکزی مدل تعیین گردد، انتزاعی بودن و جامعیت آن بود.

عوامل علی:

اشاره به دلایل و مضامین به روز پدیده مورد بررسی دارد. به سخن دیگر، مجموعه شرایطی است که منجر به پیدایش پدیده می‌شود. گرچه توجه کردن به همگرایی مفهومی در رشته حسابداری و رشته حقوق از جایگاه بالایی برخوردار می‌باشد، اما عوامل زیادی این اولویت را افزایش و یا کاهش خواهد داد. لذا، هنگام مصاحبه‌ها این نکته مورد توجه قرار گرفت که هم‌گرایی مفهومی شامل چه مواردی می‌باشد. با توجه به اینکه پژوهش کنونی از نوع نظریه داده بنیاد است. لذا، پاسخ کلیه حسابداران و وکلاء در این زمینه در دو مقوله اصلی «عوامل ذاتی» و «عوامل بیرونی» قرار گرفت که به اختصار در ادامه هر یک از آنها بیان شده است.

عوامل ذاتی/درونی:

بر اساس یافته‌های پژوهش و طبق نظر خبرگان و متخصصان، عوامل ذاتی/درونی، از دیگر اجزای مدل است که منجر به تشویق و ترغیب حسابداران و وکلاء می‌گردد. یکی از عوامل کلیدی در هم‌گرایی مفهومی، عوامل ذاتی است که به محیط اجتماعی بستگی دارد و این عوامل به صورت جزئی‌تر عبارتند از: پابندی به قوانین، اصول و موازین اخلاقی، مهارت در ارتباط و بیان، رفتار درست و منصفانه، توانایی در مدیریت زمان و قدرت تحلیل و پردازشگری بیانگر آن است که عوامل درونی تاثیر زیادی بر عملکرد حسابداران و وکلاء دارد و تعامل در این عوامل با ارزش‌ها، باورها و هنجارهای اجتماعی مسیر تحول و پذیرش را شکل می‌دهد.

عوامل بیرونی:

بر اساس یافته‌های پژوهش و طبق نظر خبرگان و متخصصان، عوامل بیرونی نیز از دیگر اجزای مدل است که منجر به ایجاد الگوی فرهنگی می‌گردد. عوامل بیرونی شامل ساختارهای نهادی و سازمانی، فشارهای اقتصادی و اجتماعی، نیاز جامعه به حسابدار و حقوقدان، تغییرات قوانین و ... منقسم می‌شود. نتایج مبین آن است که عوامل بیرونی از جمله

تغییرات اجتماعی بر تصمیمات و استراتژی حسابداران و وکلاء نقش مهمی دارد و ایجاد محیط متنوع و حمایتی می‌تواند بهره‌وری و رضایت شغلی آنان را افزایش دهد.

عوامل زمینه‌ای «بستر»:

اشاره به مجموعه عوامل تسهیل‌کننده بروز پدیده مورد بررسی دارد. به بیان بهتر، نشان‌دهنده شرایط ویژه‌ای است که پدیده مقوله اصلی در آن قرار دارد. کلیه مقوله‌های محوری در شرایط زمینه‌ای صورت می‌گیرد که بستر کلیه راهبردها، اجرا و کنترل نسبت به پدیده مرکزی است. بنابراین، ماهیت این بخش متشکل از ویژگی‌های بخش عمومی و فرهنگ می‌باشند. این عوامل تاثیر مستقیم و حیاتی بر عملکرد و موفقیت حسابداران و وکلاء دارند و توجه به این عوامل در استراتژی مدیریتی می‌تواند به بهبود و پیشبرد فضای کاری و کارایی کمک کند.

عوامل مداخله‌گر «واسطه‌ای»:

مجموعه عواملی را شامل می‌شود که منجر به تحریک به کارگیری استراتژی‌های الگوی پارادایمی در رابطه با پدیده مورد بررسی می‌گردد (گلاسر و همکاران^۱، ۱۹۸۷). این عوامل متشکل از ابهام و خلاء و مهارت، آگاهی و فناوری می‌باشند. همچنین این عوامل منجر به اقداماتی موثر برای بهبود و تقویت بهره‌وری، کاهش تعارضات و ایجاد محیطی مثبت و پویا برای حسابداران و وکلاء می‌گردد.

عوامل راهبردی:

اشاره به شیوه‌های پیاده‌سازی پدیده مورد بررسی در قالب گراند تئوری «آرمان‌گرایی» دارد. راهبردها آموزش و تحلیلگری و اعتمادسازی و کارآمدی می‌باشند. این عوامل منجر به هم‌راستایی استراتژی‌ها و اهداف با یکدیگر می‌شوند. پیامدها:

آخرین بخش از مدل پارادایمی در رویکرد اشتراوس و کوربین در فرآیند کدگذاری گراند تئوری، تعیین پیامدهای مدل می‌باشد. هر جا انجام یا عدم انجام عمل/تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آید (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). پیامدها شامل اعتمادسازی، کارآمدی و کارآمدی نظام مالیاتی و قضایی است. پیامدهای مطلوب و مناسب به تقویت همبستگی تیمی، کاهش تعارضات مالی و حقوقی، افزایش نوآوری، تقویت تعهد، ارتقاء اخلاق حرفه‌ای و وفاداری کارکنان منجر می‌شود. حسابداران و وکلاء با توجه به این پیامدها می‌توانند محیطی مثبت، نوآورانه و کارآمد که به موفقیت‌های بلندمدت کمک کند، ایجاد نمایند و رفتارهای اخلاقی و مسئولانه را در کارکنان نهادینه سازد و احساس تعلق و هویت جمعی را در جامعه تقویت نماید.

جدول (۴) کدهای باز و مقوله‌های مرتبط با پیامدها

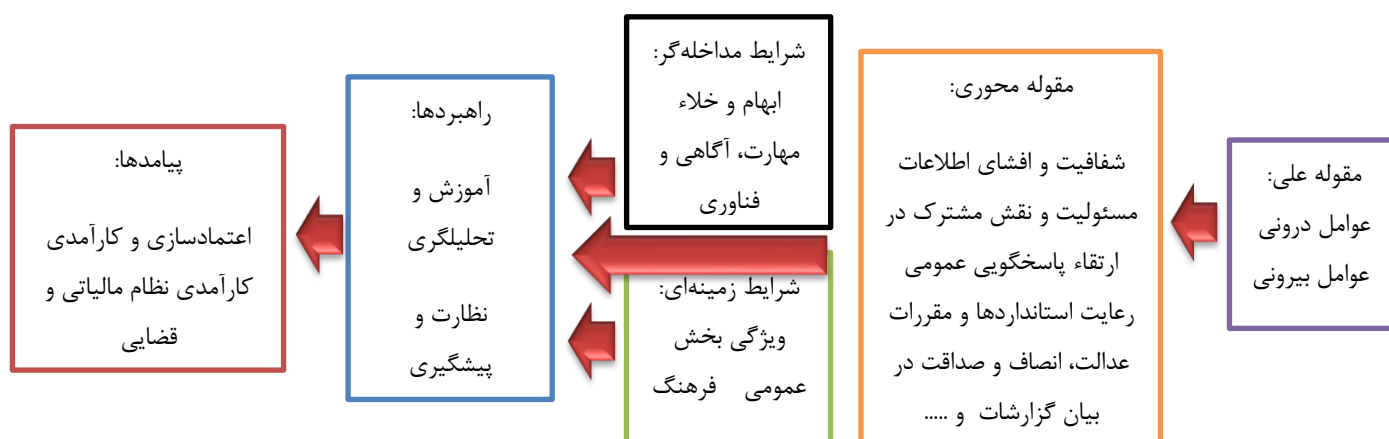
مقوله‌ها	کدهای باز
شفافیت	شفافیت در روند عملکرد دادرسی، ارائه اطلاعات دقیق و درست، استنتاج منطقی
مسئولیت‌پذیری سنگین	پاسخگویی به ذینفعان، پاسخگویی به جامعه، پیامدهای اجتماعی، مهارت قانع‌سازی
اخلاق حرفه‌ای	جلوگیری از دستکاری اطلاعات، بیطرفی در رسیدگی، رعایت و حفظ محرمانگی
مقررات الزام‌آور	رعایت قوانین، استانداردها و ماده‌های مالی و حقوقی
تفسیر قوانین	بیان و تفسیر قوانین بطور گویا و روشن، ارائه مشاوره، ضرورت به‌روزرسانی دانش
اهمیت اعتبار و اعتماد	حفظ عدالت و انصاف، جلوگیری از تضییع حقوق شهروندان، ضرورت رعایت آداب و اخلاق
عمومی	نیاز به دانش و مهارت بالا، فشار کاری مبتنی بر استدلال طولانی، حساسیت زیاد نسبت به خطا، فشار ناشی از مطالعه
فشار کاری تخصصی بالا	نیاز به دانش و مهارت بالا، فشار کاری مبتنی بر استدلال طولانی، حساسیت زیاد نسبت به خطا، فشار ناشی از مطالعه
آموزش و یادگیری مستمر	به‌روزرسانی یادگیری، آموزش نرم‌افزارهای جدید، آگاهی نسبت به تغییرات

نتایج حاصل از روش دلفی فازی نشان داد که مقدار قطعی ۹۵ گویه از ۹۰ گویه، بیش از ۰/۷ بود که نشان دهنده اتفاق نظر خبرگان است. بر این اساس، الگوی نهایی شامل مولفه‌های عوامل درونی، عوامل بیرونی، ویژگی‌های بخش عمومی و فرهنگ، شفافیت در افشای اطلاعات، مسئولیت و نقش مشترک در ارتقاء پاسخگویی عمومی و ... در قالب جدول (۵) و شکل (۱) آمده است.

جدول شماره (۵) تفکیک کدهای نهایی جهت الگوی همگرایی

کد محوری	کد ثانویه	تعداد کدهای نهایی
عوامل علی	عوامل درونی	۶
	عوامل بیرونی	۶
شرایط زمینه‌ای (بستر)	ویژگی‌های بخش عمومی	۸
	فرهنگ	۳
مقوله محوری	شفافیت و افشای اطلاعات	۶
	مسئولیت و نقش مشترک در ارتقاء پاسخگویی عمومی	۶
	رعایت استانداردها و مقررات	۳
	عدالت، انصاف و صداقت در بیان گزارشات	۴
	حمایت از حقوق ذینفعان	۷
	جلوگیری از تخلفات مالی و اجرای عدالت حقوقی	۶
شرایط مداخله‌گر	ابهام و خلاء	۶
	مهارت، آگاهی و فناوری	۵
راهبردها	آموزش و تحلیلگری	۷

کد محوری	کد ثانویه	تعداد کدهای نهایی
(کنش و واکنش‌ها)	نظارت و پیشگیری	۴
پیامدها (استراتژی‌ها)	اعتمادسازی و کارآمدی	۵
	کارآمدی نظام مالیاتی و قضایی	۸
مجموع کل شاخص‌ها		<u>۹۰</u>



شکل (۱) مدل فرآیندی همگرایی مفهومی رشته حسابداری و حقوق در قالب پارادایم کدگذاری محوری مستخرج از گراند تئوری

در ادامه اعتباریابی، تحلیل عاملی تاییدی و اعتبارسنجی کمی مدل پژوهش براساس شاخص‌های شناسایی شده با کمک نرم‌افزار^۱ PLS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت که نتایج در جدول (۶) آمده است. نیکویی برازش در سطح بیرونی، سطح درونی و کلی مدل پژوهش نیز مورد تأیید قرار گرفت و در نهایت ارتباط مابین عوامل شناسایی شده در الگوی پژوهش با استفاده از روش معادلات ساختاری بررسی شد.

جدول (۶) خلاصه شاخص‌های ارزیابی برازش

مؤلفه‌ها	CR	Cronbachs Alpha	AVE	Q2	R2	GOF	SRMR
عوامل علی	٪۸۴۲	٪۷۲۸	٪۶۶۱	٪۲۳۷	۰	۰	۰
شرایط زمینه‌ای	٪۹۱۵	٪۸۱۲	٪۸۶۴	٪۵۲۱	۰	۰	۰
مقوله محوری	٪۸۴۱	٪۶۲۸	٪۷۵۲	٪۸۲۱	۰	۰	۰
شرایط مداخله‌گر	٪۷۶۴	٪۸۸۱	٪۵۵۴	٪۶۳۲	٪۶۹۲	٪۴۸۵	٪۶۳
راهبردها	٪۹۶۲	٪۷۵۲	٪۶۲۳	٪۲۹۶	۰	۰	۰
پیامدها	٪۹۷۸	٪۶۵۲	٪۸۲۴	٪۲۴۶	۰	۰	۰
متوسط شاخص‌ها	٪۷۶۲	٪۶۲۷	٪۷۲۱	٪۳۷۸	۰	۰	۰

بر اساس متوسط شاخص پایایی ترکیبی (۰/۷۶۲) و متوسط ضرایب آلفای کرونباخ^۱ (۰/۷۴۲) که از ۰/۷۰ بیشتر می‌باشند و با توجه به اندازه متوسط واریانس استخراج شده (۰/۷۲۱) که از ۰/۰۵ بزرگ‌تر است، مدل از پایایی همگرا برخوردار بوده و با توجه به (CR>AVE) روایی همگرا نیز برقرار می‌باشد. با توجه به اینکه شاخص ضریب تعیین R² (۰/۶۹۲) از ۰/۶۷ بزرگ‌تر است و همچنین بر اساس شاخص Q² که مقدار متوسط آن (۰/۳۷۸) از ۰/۳۵ بیشتر می‌باشد، چنین استنباط می‌شود که مدل ساختاری از برازش مناسب برخوردار بوده و قدرت پیش‌بینی مدل بیش از حد متوسط است. بر اساس معیار نیکویی برازش^۳ مقدار محاسبه شده برای این شاخص (۰/۴۸۵) به دست آمده که از ۰/۳۵ بیشتر است. همچنین شاخص SRMR با میزان (۰/۶۳) محاسبه شده است که بین ۰/۰۵ تا ۱ بوده و حاکی از برازش آن است. همچنین از آنجایی که مقادیر معناداری t مندرج در جدول (۷) همگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنی‌دار می‌باشند، می‌توان استدلال نمود که مدل اندازه‌گیری از برازش مناسبی برخوردار است.

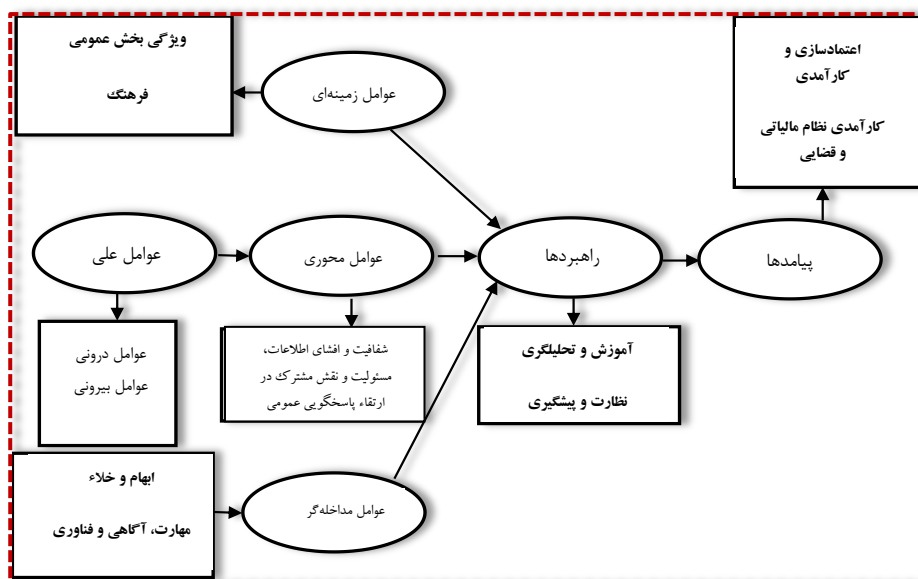
جدول (۷) بار عاملی و آماره t رویکرد کیفی هم‌گرایی مفهومی

کدگذاری پارادایمی	مولفه‌ها	بار عاملی	آماره t
عوامل علی	عوامل درونی	۰/۸۴۲	۷۵/۶۸
	عوامل بیرونی	۰/۹۱۵	۱۲/۸۶
عوامل زمینه‌ای	ویژگی‌های بخش عمومی	۰/۶۵۲	۷/۸۲۴
	فرهنگ	۰/۸۶۲	۲۹/۴۲۰
عوامل محوری	شفافیت و افشای اطلاعات	۰/۸۴۸	۱/۴۲
	مسئولیت و نقش مشترک در ارتقاء پاسخگویی عمومی	۰/۶۴۲	۱۰/۸۴۷
	رعایت استانداردها و مقررات	۰/۷۲۱	۹/۱۵۲
	عدالت، انصاف و صداقت در بیان گزارشات	۰/۶۴۸	۴۷/۱۲۵
	حمایت از حقوق ذینفعان	۰/۴۸۷	۴۲/۴۲۸
	جلوگیری از تخلفات مالی و اجرای عدالت حقوقی	۰/۷۴۲	۵۰/۳۲۱
	ابهام و خلاء	۰/۷۶۲	۱۴/۲۵
مداخله‌گر	مهارت، آگاهی و فناوری	۰/۴۶۸	۴۸/۳۵
راهبردها	آموزش و تحلیلگری	۰/۲۵۸	۱۸/۲۴۸
	نظارت و پیشگیری	۰/۷۵۲	۱۳/۶۲۸
پیامدها	اعتمادسازی و کارآمدی	۰/۶۲۴	۲۸/۴۲
	کارآمدی در نظام مالیاتی و قضایی	۰/۶۵۲	۸/۸۷

2 Cronbach's alpha

3 R-squared correlation

4 Goodness of fit (GOF)



شکل (۲) مدل نهایی همگرایی مفهومی رشته حسابداری و رشته حقوق

در این پژوهش، باید به وضوح روش‌های به کار گرفته شده برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها بیان شود. کدهای اصلی مفاهیم و مقوله‌های کلی هستند که در داده‌ها بطور برجسته مشاهده می‌شوند که در این پژوهش با حروف A, B, C, D مشخص شده‌اند. کدهای فرعی به عنوان زیر مجموعه‌های کدهای اصلی هستند که ویژگی‌ها و جزئیات دقیق‌تری از مقوله‌ها را نمایان می‌کنند. مولفه‌ها در چهار بخش می‌باشد که برای هر مولفه شاخص‌هایی عنوان شده که هر کدام ابعاد متعددی را تبیین می‌کنند. این فرایند منجر به شناسایی ساختار منسجمی برای تفسیر یافته‌ها و ارائه چارچوب نظری فراهم ساخت که در جدول شماره (۸) تدوین گردیده است.

جدول شماره (۸) شناسایی مولفه‌ها و شاخص‌های همگرایی مفهومی رشته حسابداری و حقوق

کدهای اصلی	مؤلفه‌ها	کدهای فرعی	شاخص‌ها
A	ساختارها ی اجتماعی و سازمانی	A1	شفافیت، پاسخگویی در برابر جامعه، عدالت اجتماعی، تقویت اعتماد عمومی، پاسخگویی تعاملی
		A2	ارائه اطلاعات دقیق، قابل اتکاء، رعایت الزامات قانونی، اخلاق حرفه‌ای، فرهنگ سازمانی
		A3	کاهش نابرابری و فساد، حمایت از ذینفعان، ایجاد ساز و کارهای حقوقی و مالی، پاسخگویی قانون‌محور
		A4	معیاری برای ارزیابی اهداف، چارچوبی قانونی برای کنترل و نظارت، پیشگیری از تقلب
B	فشار کاری تخصصی و سنگین	B1	نیاز به دانش و مهارت بالا جهت پاسخگویی به طرفین، فشار کاری مبتنی بر استدلال طولانی و طاقت‌فرسا، فشار و استرس ناشی از مطالعه
		B2	خطر عدم آگاهی و مهارت لازم حسابدار و حقوقدان در مسائل مختلف
		B3	خطر کسلی و خستگی ممتد حسابداران و حقوقدانان، نبود اوقات فراغت، تاثیر مستقیم خطرهای شغل حسابداری و حقوق بر سلامت چشم
		B4	مدیریت زمان، افسردگی و فرسودگی شغلی، حجم و پیچیدگی کار، تعارضات مداوم در کار، فشار

شخص‌ها	کدهای فرعی	مؤلفه‌ها	کدهای اصلی
مالی، عدم قطعیت در نتایج			
مسئولیت قانونی و حقوقی، کاهش انرژی و انگیزه، اختلال تمرکز، احساس گناه یا بی‌ارزشی حرفه، بعضاً افکار منفی و تکراری	B5		
صداقت، استدلال حقوقی و منطقی، تقویت اعتبار گزارش‌ها و تصمیمات	C1	مهارت قانع‌سازی تفسیر منطقی و استدلال	C
توانایی دفاع در برابر پرسش‌ها و انتقادات، رعایت الزامات حقوقی و مالی	C2		
توانایی ساده‌سازی مفاهیم پیچیده مالی و حقوقی برای اقناع مخاطبان غیرمتخصص، مهارت ارتباطی	C3		
استدلال اخلاقی، استدلال منطقی، استدلال حقوقی و مالی	C4		
اقناع عدالت‌محور، اقناع داده‌محور، اقناع ارزش‌محور، اقناع دانش‌محور، اقناع کیفیت‌محور، اقناع فرآیند‌محور، آینده‌محور و ...	C5		
ایجاد وحدت و استفاده از چارچوب‌ها و استانداردهای حقوقی و مالی، شفافیت و خوانایی گزارش‌ها جهت تقویت اعتماد عمومی و دفاع نهادی	D1	دفاع مشترک	D
بهره‌گیری از فناوری و ظرفیت نهادی، کاهش تضادها، ایجاد انسجام اجتماعی و عدالت ترمیمی	D2		
ایجاد کارآمدی مالی، کارآمدی اخلاقی، کارآمدی حقوقی، کارآمدی اجتماعی و	D3		

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش کنونی، ضمن تلاش به تبیین و تفسیر هم‌گرایی مفهومی رشته حسابداری و حقوق در پی نتایج پایدار و عملکرد برون‌نی نتیجه می‌باشد. رشته حقوق و حسابداری در نقطه مشترک «مسئولیت، شفافیت و کاهش خطا» به هم می‌رسند. این هم‌گرایی در جامعه بسیار مثمرتر است، زیرا ترکیب دانش حقوق با حسابداری می‌تواند از فساد مالی و حقوقی جلوگیری کند، اعتماد عمومی را افزایش دهد و کارایی شرکت‌ها و سازمان‌ها را بالا ببرد. میزان مثمر بودن هم‌گرایی حقوق و حسابداری باعث می‌شود مردم و سرمایه‌گذاران به گزارش‌های مالی، حقوقی و عملکرد سازمان‌ها اعتماد بیشتری داشته باشند. این هم‌گرایی می‌تواند از بروز بحران‌های ناشی از فساد یا گزارش‌های مالی نادرست جلوگیری کند. در جامعه ایران، با توجه به حساسیت‌های مربوط به شفافیت مالی و ضرورت رعایت قوانین، این هم‌گرایی می‌تواند نقش مهمی در بهبود عملکرد شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی در راستای احقاق حق افراد جامعه که نتیجه اصلی این هم‌گرایی است. نتایج پژوهش کنونی با پژوهش لین و همکاران (۲۰۲۴) و ما (۲۰۲۴) همسو و همراستا می‌باشد. از جمله پیشنهادها افزایش آگاهی و آموزش در سازمان‌ها و دانشگاه‌ها باید برنامه‌های آموزشی برای آشنایی حسابداران و حقوقدانان با فناوری‌های پیشرفته ارائه دهند. تأکید بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمان‌ها، شرکت‌ها و ... باید از رویکردهای جامع‌تری در حسابداری و حقوق استفاده کنند که تأثیرات اجتماعی را بیشتر در نظر بگیرند. پیشنهاد می‌گردد جهت عملکرد بهتر و پیشرفت مطلوب‌تر و کلاء و حسابداران بستر و زمینه‌ای مناسب فراهم گردد تا بتوانند در انجام وظایف خود و عدالت‌کاری نقش شایان‌ذکری داشته باشند. همچنین از مهم‌ترین محدودیت‌ها عدم همکاری و امتناع ورزیدن برخی و کلاء و حسابداران در پاسخگویی به سوالات را می‌توان عنوان نمود.

منابع و مآخذ

- تقی‌زاده، محمد، رقیب‌دوست، شهلا (۱۴۰۴) تقویت مهارت متقاعدسازی و استدلال در نوشتن: مروری بر راهبردهای موثر در آموزش مهارت نوشتاری شماره ۱۸، صص ۲۳۴-۲۷۴.
- کشاورز، علی، گل‌گون، عبدالکریم (۱۴۰۴) بررسی اعتبار و کارکرد مفهوم مخالف در نظام‌های حقوقی از فقه اسلامی تا حقوق خارجی، شماره ۱۴، صص ۴۸-۶۶.
- Abbasi, M; Sh. Ramezani (2021) financial rights in Iran's legal system and its compatibility with international documents, *Journal of Modern Jurisprudence and Law*, 7, 17-34 [In Persian]. Doi: 10.22034/JML.2021.248298.
- Ahmed, F., Shahzad, K., Aslam, H., Bajwa, S. U., & Bahoo, R. (2016). The role of collaborative culture in knowledge sharing and creativity among employees. *Pakistan Journal of Commerce and Social Sciences (PJCSS)*, 10(2), 335–358.
- Bengtsson, M., & Argento, D. (2023). International Accounting Convergence and Divergence: Towards a Framework for Understanding De Jure Adoption of IFRS. *Accounting in Europe*, 20(3), 370–392. Taylor & Francis, DOI: 10.1080/17449480.2023.2237056.
- Bhandari, A. & Javakhadze, D. (2017). Corporate social responsibility and capital allocation efficiency. *Journal of Corporate Finance*, 43, 354-377.
- Creswell, J.W. (2005). *Mixed methods research: Developments, debates, and dilemma* (pp. 315-26). Oakland, CA: Berrett-Koehler Publishers.
- CHung, J & .Charles, H (2018). *Current Trends Within Social and Environmental .Accounting Research:A Literature Review* .
- Glaser, S.R., Zamanou, S., & Hacker, K. (1987). Measuring and interpreting organizational culture. *Management Communication Quarterly*, 1(2), 173-198 <https://doi.org/10.1177/0893318987001002003>.
- Lin, S., Pownall, G., Sawani, A., & Wang, C. (2024). The effect of the FASB-IASB convergence project on the rules- and principles-based nature of US GAAP and IFRS. *Review of Accounting Studies*, 30, 1500–1542. Springer.
- Nikooghadam, M. (2018), Investigating the impact of women's empowerment on the development of democracy, *Journal of Women in Development and Politics*, 16 (4), [In Persian]. Doi: 10.22059/jwdp.. 2019.263033.1007470.
- Ma, Y. R. (2024). The Impact of Accounting Standards Convergence on Cross-Border Investment Decisions. *iBusiness*, 16, 160–172. Scientific Research Publishing. DOI: 10.4236/ib.2024.164011.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). Sage Publications.
- Trimble, M., & Song, X. (2024). The benefits and detriments of global accounting convergence. In: *Research Handbook on Financial Accounting*, Edward Elgar Publishing, pp. 5–23 .
- Welfare (2020) . Center for Statistics and Strategic Information (2021); Iranian book and literature house, View(2-3-2024), Available at: <https://ketab.ir/book/95a2ea91-3cc9-4e37-ab92-dbbf478b794c>[In Persian].

The Concept of Convergence between Accounting & Law

Shahnaz Alikhani¹

SeidNasroddin HosseiniDastenaeei²

Abstract

Since convergence in today's world, where economic and financial complexities are increasing, has gained double importance and role. Therefore, the purpose of this research is to present a qualitative approach to conceptual convergence in the fields of accounting and law. The research strategy is applied from the perspective of the objective, with an exploratory approach, in the time horizon of 2024 and the mixed research method is based on a data-based approach. The statistical population of the research in the qualitative part was through semi-structured interviews, including senior and executive managers and lawyers, whose selection was carried out based on selection criteria, experience and work experience in a targeted manner, with 58 people from employers who have been working in the accounting and law profession for more than 15 years. In the quantitative part, it was carried out through a questionnaire based on the fuzzy Delphi method. The findings indicate that after conducting the interview, in three stages of open coding, axial coding and selective coding, data analysis was carried out in accordance with the grounded theory method and the final model was presented based on the extracted categories including 95 primary codes and 16 secondary codes, under 6 main categories, of which 90 items were accepted by the defuzzification method. The results of this research were to present a comprehensive model that has six categories of causal conditions including internal factors, external factors, public sector characteristics and culture as the category of background conditions; transparency and disclosure of information, compliance with standards and regulations, protection of the rights of stakeholders, etc. as the central category; ambiguity and vacuum, skill, awareness and technology as intervening conditions; education and analytics, monitoring and prevention, trust building and efficiency of the tax and judicial system were identified as strategies and consequences. Convergence shows that not only law and accounting are two independent disciplines, but also two complementary languages for the system of the economy and society. These two areas jointly analyze and resolve financial and legal issues, and their interaction leads to a more efficient system for promoting public trust and sustainable development.

Keywords

Accounting, Law, Qualitative Approach.

1 Department of Accounting, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran. corresponding author, (Email: shahnaz.alikhani@iau.ac.ir)

2 Department of Law, Najafabad, Islamic Azad University, Najafabad, Iran, (Email: Info@nasrvekalat.com)